

تأثیر روابط خویشاوندی در همنوایی اجتماعی محبت‌بنیان از منظر قرآن

فرج‌الله میرعرب*

چکیده

داشتن راهبرد برای ایجاد همنوایی اجتماعی بسیار مهم است. از قرآن استفاده می‌شود که بهترین همنوایی از طریق روابط خویشاوندی و ارحامی شکل می‌گیرد. رَجَم که مبدأ نسل بشر است، پیوندی ایجاد می‌کند که وابستگان به آن، به‌طور فطری به هم تمایل و احساس محبت دارند که زمینه مناسبی برای همنوایی است. همنوایی بیرونی و غیر منطبق بر فطرت، نمی‌تواند سنگ‌بنای جامعه فلاح‌مند انسانی باشد، زیرا انگیزه درونی پشت‌بنیان آن نیست. براساس آیات و تبیین روایات، روابط خویشاوندی در ایجاد و تقویت ارکان همنوایی، یعنی بینش، عواطف و رفتار، تأثیر تجربه شده دارد و در صورت تقویت می‌تواند همه اعضای جامعه را چنان به هم نزدیک و پیوندهایشان را قوی کند که مانند جسد واحد شوند و هنجارشدهن ارزش‌های عمومی و همنوایی اعضای جامعه بر ارزش‌ها سهل شود و مشارکت عمومی، تشریک مساعی و همکاری بر خیر و صلاح و احساس مسئولیت در برابر اعضای جامعه فراگیر گردد.

در این پژوهش توصیفی تحلیلی، روش جمع‌آوری داده‌ها استفاده از منابع کتابخانه‌ای بوده و قرآن و تفاسیر آن و روایات همسو، منبع اساسی و محوری هستند. نتیجه مهم پژوهش نمایاندن درستی نظریه «نیاز جامعه به تقویت روابط خویشاوندی برای همنوایی مطلوب» است.

واژگان کلیدی: قرآن، روابط خویشاوندی، محبت، همنوایی اجتماعی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

تضعیف روابط انسانی و دور شدن از همنوایی محبت‌بنیان از مسائل جامعه معاصر است. اسلام گرچه با تعصبات قومی و قبیله‌ای و به‌ویژه نژادپرستی سخت مبارزه کرده است، ولی به نظر می‌رسد که در آیات قرآن و روایات، به حفظ و تقویت روابط خویشاوندی به‌عنوان راه‌حل مسئله تضعیف روابط محبتی در جامعه، توجه ویژه‌ای شده است که در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد، اثبات شود. برای نمونه، خدای متعال در آیه اول سوره نساء پس از تذکر خلقت همه انسان‌ها از حقیقت واحده: «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»، یادآور شده که گسترش و ازدیاد نسل «وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا» از همان حقیقت بوده و پس از آن حکم می‌کند که همانند جدیتی که در پاسداشت حریم الهی، به‌عنوان "رب" و "خالق"، باید داشته باشید، حریم خویشاوندی نیز باید مورد پاسداشت قرار گیرد و از حریمش مراقبت شود: «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا». مفسران اجتماعی در تبیین این آیه و همانند آن، به تبیین نقش روابط خویشاوندی در زندگی اجتماعی پرداخته‌اند (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۷۶). از مطالعه انجام شده در آیه مذکور و سایر آیات و روایات می‌توان به این پرسش پاسخ داد که: روابط خویشاوندی چه تأثیری در زندگی اجتماعی انسان دارد؟

سؤال متفرع بر سؤال اصلی این است که: چگونگی تأثیرگذاری روابط خویشاوندی بر تقویت همنوایی و توسعه محبت در جامعه طی چه فرایندی است و چگونه محبت ایجاد کرده و آن را تقویت می‌کند؟ همنوایی خویشاوندی چگونه در جامعه گسترش می‌یابد؟

۲. اهمیت و ضرورت

ضرورت همنوایی برای تحقق جامعه در جای خودش تبیین شده است که در پیشینه پژوهش‌هایی در این راستا معرفی شده‌اند. از سویی، هر مکتبی برای گسترش و نهادینه کردن همنوایی براساس ارزش‌های هنجاری خاص خودش برنامه ارائه می‌کند. فرضیه پژوهش این است که اسلام و به‌خصوص قرآن، روابط خویشاوندی را از عوامل مهم شکل‌گیری همنوایی، آن هم از نوع محبت‌بنیان می‌داند. نگاه به مواردی از آیات و روایات فرضیه را در ذهن تقویت و به سمت تلاش برای اثبات آن هدایت می‌کند، برای نمونه: قرآن برقراری روابط نیکو با خویشان و احسان به آنها را در مرتبه بعد از توحید عبادی قرار داده است: «خدا را بپرستید و چیزی را شریک او نسازید و به پدر و مادر و نزدیکان خویشاوند ... نیکی کنید» (نساء، ۳۶) از سوی دیگر قطع روابط خویشاوندی از اوصاف فاسقان شمرده شده است (برسوی، بی تا، ج ۱، ص ۸۸): «فاسقان کسانی هستند که ... آنچه را خداوند به

وصل آن فرمان داده است می‌گسلند...» (بقره، ۲۷). امام سجاد علیه السلام آیه را بر قاطع رحم تطبیق کرده‌اند (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۵). همچنین، خدای متعال امر کرده که حق نزدیکان مقدم بر دیگران داده شود (اسراء، ۲۶ و روم، ۳۸) که حقوق معنوی مهم‌ترین آن است. به تبع قرآن، در سخنان معصومان علیهم السلام نیز برقراری روابط با نزدیکان و وابستگان ارحامی مورد توجه خاصی قرار گرفته است. در همین روایات به معنای "رَحِم" و رابطه‌اش با "رحمت خدا" توجه داده شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۵۰-۱۵۷؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۱، ص ۵۳۳-۵۳۹). پیامبری که خود را متمم مکارم اخلاق معرفی کرده، تبلیغ و ترویج روابط خویشاوندی را در کنار توحید در عبودیت از مأموریت‌های اساسی خود معرفی کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۵، ص ۱۱۶).

مطالعه دقیق در نوع تعبیر نشان می‌دهد که روابط خویشاوندی به دلیل تأثیر خاص آن در ایجاد رحم، رحمت و محبت، که از عوامل هم‌نوایی هستند باید مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد و نقش آن در این مؤلفه مهم اجتماعی روشن گردد. این کارکرد مورد غفلت قرار گرفته و با نفوذ فرهنگ غربی و تضعیف روابط محبت‌آمیز ارحامی جامعه تبدیل به "مجموعه انسان‌های ناچار به تحمل هم" شده است. پس، برای داشتن جامعه به معنای واقعی که از هم‌نوایی درونی برخوردار باشد، وجود روابط خویشاوندی ضروری است.

پس برخورد با گزاره‌هایی از قرآن و حدیث این ذهنیت را ایجاد می‌کند که توجه خاص به روابط خویشاوندی هدفمند است و از آنجا که خویشاوندان جامعه محدودی هستند و نوع روابط اجتماعی است، باید هدف اجتماعی باشد. پس هدف پژوهش از این بافت علمی آیات و روایات مرتبط با روابط خویشاوندی دریافت می‌شود که به نظر می‌رسد برنامه اسلام برای ایجاد هم‌نوایی اجتماعی، ایجاد محبت و رحمت باشد. مکتوبه حاضر در پی تبیین این فرضیه با نگاه به قرآن و احادیث است.

۳. پیشینه پژوهش

در مورد روابط خویشاوندی مقالات و آثار متعدد است. در مورد هم‌نوایی نیز مقالاتی نوشته شده است:

الف) مقالات مربوط به روابط خویشاوندی

۱. «جایگاه روابط خویشاوندی و صله رحم در تعاملات خانوادگی روزمره: مطالعه شهروندان تهران»، از سیدمجتبی رضوی طوسی، در نشریه اخلاق زیستی، (زمستان ۱۳۹۲)، شماره ۱۰ [این مقاله به میزان روابط خویشاوندی و دیدارهای فامیلی در سطح شهر تهران پرداخته و علل و عوامل

کاهش روابط را بررسی کرده است؛ «جایگاه روابط خویشاوندی در اسلام و تأثیر آن بر سبک زندگی» از فاطمه جعفرنیا که سال ۱۳۹۴ در مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی، منتشر شده به روابط خویشاوندی به‌عنوان وظیفه نگاه کرده و براساس آیات و روایات، بازتاب عمل به روابط خویشاوندی را در زمینه‌های اخلاقی، روانی، عاطفی، معنوی، اجتماعی و اقتصادی دانسته است؛

۲. مقاله «روابط خویشاوندی و امنیت روانی خانواده از منظر قرآن و حدیث» اثر سیدحسن آقابابایی، ۱۳۹۵، همایش آموزه‌های اسلامی، انسان معاصر و نظام خانواده، ساری، مؤسسه پیامبراعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ساری، روابط خویشاوندی را براساس نیازهای جسمی و روانی انسان به دیگران، تحلیل کرده و این روابط خاص را به دلیل درک متقابل طبیعی و فطری میان خویشاوندان زمینه مناسبی برای پاسخگویی به نیازهای آدمی، به‌ویژه امنیت روانی در زندگی خانوادگی برآورد کرده است؛

۳. زهرا یوسفیان و حمیدرضا مطهری در مقاله «درآمدی بر سیره امام هادی علیه‌السلام در زمینه روابط خویشاوندی»، در مجله تاریخ اسلام، پاییز ۱۳۹۶، شماره ۷۱، نشان داده‌اند که تحکیم رابطه خویشاوندی، در سیره معصومان علیهم‌السلام اهمیت ویژه داشته و امام هادی علیه‌السلام برای تأمین این هدف الگوهای مناسب عملی نشان داده‌اند.

همچنین، مقالاتی مانند: «اخلاق خویشاوندی در آموزه‌های اسلامی» از علی ملکوتی در ماهنامه اطلاع‌رسانی، پژوهشی، آموزشی مبلغان شماره ۱۹۶ و مقالات مشابه که در مجلات و سایت‌ها متعدد هستند، به بیان آثار روابط خویشاوندی و پیامدهای قطع آن از نگاه قرآن و روایات پرداخته‌اند. در جستجوهای انجام شده، مقاله‌ای خاص عنوان مورد نظر این پژوهش یافت نشد.

ب) مقالات مرتبط با هم‌نوایی

۱. از هنجارگرایی تا هنجارگریزی: سنخ‌شناسی هم‌نوایی اجتماعی و تحلیل کیفی شرایط علی مؤثر بر آن؛ اثر سهیلا صادقی فسایی و احسان امینیان، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، دوره هفتم، ش ۲؛

۲. «هم‌نوایی و هم‌بسته‌های آن...»، نوشته محمد مهدی شمسایی، یوسف کریمی و...، مجله روان‌شناسی کاربردی، بهار ۱۳۸۸، ش ۹؛

۳. «بررسی تضاد ارزش‌های اجتماعی خانه و مدرسه و تأثیر آن بر هم‌نوایی دانش‌آموزان»، به قلم مجید کاشانی، مجله تعلیم و تربیت، پاییز ۱۳۷۹، ش ۶۳؛

۴. «درآمدی بر هم‌نوایی اجتماعی از منظر قرآن کریم»، اثر فرج‌الله میرعرب و محمد کاظم کریمی، فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳۹۴، ش ۸.

کتاب‌ها و پایان‌نامه‌هایی نیز در مورد صلہ‌رحم تألیف شده‌اند که بعضی حتی به تأثیرات اجتماعی توجه کرده‌اند؛ ولی به مسئله خاص این پژوهش هیچ توجهی نکرده‌اند یا به ذهنشان نیامده است. پس بررسی نشان داد که در هیچ کتاب و مقاله‌ای به عنوان این پژوهش نپرداخته، ولی مجموعه مقالات یادشده می‌تواند زمینه خوبی برای گامی به جلورفتن در پژوهش حاضر باشد تا تأثیر روابط خویشاوندی در همنوایی محبت‌بنیان با نگاهی قرآنی بررسی شود.

۴. مفهوم‌شناسی

۴-۱. مفهوم و محدوده خویشاوند

خویشاوند کسی است که به واسطه نسبت از طرف پدر یا مادر و جز آن به شخص نزدیک باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۸۹۲۳-۸۹۲۴). در فرهنگ اسلامی رَحِم برای نزدیکان نسبی و خویشاوندان خونی استعاره گرفته شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۷) که ممکن است از طریق پدر یا مادر باشد. گروهی دیگر از طریق دامادی به جمع خویشاوندان اضافه می‌شوند که عنوان خویشاوند "سببی" دارند (مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۲۷).

قرآن از آفرینش بشر و قالب‌بندی جمعیتی آن در «نَسَباً وَصِهْرًا» (خویشاوندی) نسبی و دامادی (سببی) «(فرقان، ۵۴) سخن گفته و حدیثی توضیح داده که خویشاوندی از طریق پسر یا مذکر نسبی و از طریق دختر یا مؤنث، صِهْری (سببی) است (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۳).

خویشاوند محدوده وسیعی دارد و شامل همه نزدیکانی است که از طریق نسب به فرد پیوند دارند، هرچند خویشاوندان دور باشند و ازدواج با ایشان جایز باشد (فیض کاشانی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۹۱).

آنچه مورد نظر است، خویشاوندی به معنای متعارف در عرف عقلای جامعه است. تقویت همین حد در ایجاد همنوایی محبتی کافی است.

واژگان دلالت‌کننده بر خویشاوندی در قرآن عبارتند از: «رَحِم» (نساء، ۱؛ انفال، ۷۵؛ احزاب، ۶؛ محمد، ۲۲؛ ممتحنه، ۳)، «قُرْبی» (نساء، ۷ و ۸)، «نَسَب» (فرقان، ۵۴)، «إِل» (توبه، ۱۰)، «رَهْط» (هود، ۹۱-۹۲)، «عشیره» (شعراء، ۲۱۴؛ مجادله، ۲۲) و «صِهْر» (فرقان، ۵۴). در خویشاوندی اغلب نسبت نسبی (خونی) مورد لحاظ است، ولی در نگاه معنایی دیگری به دامنه آن افزوده شده و شامل نسبت سببی مانند دامادی نیز گردیده است. گاه از این هم فراتر می‌رود و شامل سبط، طائفه و قبیله نیز که اعضای آن نسبت دوری با شخص دارند، می‌شود.

«قربی» به معنای نزدیکان است (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۵۳-۱۵۴). قُرب در مورد

مکان، زمان و نسبت (خویشاوندی) استعمال می‌شود. واژه دیگر که در مورد خویشاوند به کار می‌رود «نَسَب» است (همان، ج ۷، ص ۲۷۱). نَسَب اشتراک دو نفر در حداقل یکی از والدین است. نسب یا طولی است، مانند اشتراک در پدران یا فرزندان و یا عرضی است، مانند نسبت میان فرزندان چند برادر و پسر عموها (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۰۱). بعضی گفته‌اند: «نَسَب» قرابت و خویشاوندی از طریق ذکور است در مقابل «صهر» که خویشاوندی از طریق اناث است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۸۷).

«أل» نیز در رَجْم و قرابت کاربرد دارد (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۲۴). «رهط» به قوم، عشیره و قبیله شخص اطلاق می‌شود (همان).

عشیره در اقارب و نزدیکان استعمال شده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۲۵-۲۶). و عنوانی است برای گروه و جماعتی از نزدیکان که بزرگی جمعیتی وابستگان شخص را نشان می‌دهند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۶۷).

گاهی عنوانی مشیر است و حکمی که آیه و حدیث بر آن بار می‌کند، دلالت می‌کند که این عنوان نیز در زمره خویشاوند است، مانند عنوان رضاع (شیر دادن). در آیه بر شیردهنده به طفل عنوان مادران رضاعی و بر دختران آن زن خواهر رضاعی، (نساء، ۲۳) اطلاق شده است. پس از طریق رضاع هم خویشاوندی حاصل می‌شود.

۴-۲. مقصود از روابط خویشاوندی

روابط که جمع رابطه است به معنای بستگی، پیوستگی، آنچه دو تن یا دو چیز را به هم پیوستگی و ارتباط می‌دهد، علاقه بین دو تن یا دو چیز، علاقه، پیوند، ربط‌دهنده، پیونددهنده، است (معین، فرهنگ فارسی، ۱۳۸۶؛ دهخدا، لغتنامه، ۱۳۷۷). روابط دامنه وسیعی دارد که در علوم مختلف اشکال مختلفی از آن ترسیم می‌شود، مانند روابط کلامی، روابط عاطفی، روابط تصویری، روابط جنسی و... (دهقان‌پور فراشاه، ۱۳۸۹) مقصود از روابط با خویشاوندان کنش و واکنش‌هایی است که در قالب دیدار، احسان، تأمین نیازهای مالی، رفع مشکلات، دفاع از آنان در برابر ظلم، عطف و مهربانی و... صورت می‌گیرد. ابن‌اثیر می‌گوید: «مراد از رابطه با خویشان، احسان نمودن به نزدیکان از خویشاوندان نسبی و سببی و مهربانی و عطف نشان دادن به آنها و رعایت کردن احوال آنان است» (ابن‌اثیر، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۱۹۱). مرحوم نراقی انواعی از تعامل نامطلوب با خویشاوندان را شمرده که به قرینه مقابله روابط مطلوب فهمیده شود؛ مانند: اذیت و آزار از طریق گفتار یا کردار؛ بخل ورزیدن در رفع نیازمندی، اجتناب از دفع ظلم، ترک مراد از روی کینه، ترک

عیادت در حال مرض؛ استقبال نکردن هنگام بازگشت از سفر و... (نراقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۱) مثبت و منفی این دست از مفاهیم مقصود از روابط را مشخص می‌کنند. پس رابطه با خویشاوند یعنی جلوگیری از اذیت و آزار او، مواسات مالی، به ملاقاتش رفتن و با دست و زبان کمک کردن و... .

۴-۳. مفهوم‌شناسی همنوایی

همنوایی معادل Conformity به معنی همراهی، هم‌رنگی، هماهنگی، سازگاری و هم‌صدایی است (ر.ک: انوری، ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۸۴۱۵) و مقصود از همنوایی اجتماعی (Conformity Social) پیروی از ارزش‌ها، رفتارها و شیوه‌های عمل یک گروه، قوم یا جامعه است به گونه‌ای که آثار و پیامدهای آن در حیات اجتماعی فرد و جامعه ظهور و تبلور پیدا کند. به دیگر سخن، همنوایی فرد با گروه عبارت است از اینکه فرد باورها، ارزش‌ها، نمادها و هنجارهای گروه را درونی کرده و در ساخت شخصیت خود یگانگی دخیل کند (روشه، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴) همنوایی از توافق سطحی و سازگاری ناخواسته تا اطاعت داوطلبانه از هنجارهای اجتماعی را شامل می‌شود (راسخ، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۲۳۲). همنوایی دست‌کم دارای سه بُعد اجتماعی، اخلاقی و رفتاری است. همنوایی اجتماعی، پذیرش و اجرای باورها، ارزش‌ها، هنجارها و عادات گروه خاص توسط اعضا است (راسخ، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۲۳۲) در قرآن آیاتی که از "اتباع سبیل"؛ پیروی از یک راه و جریان، سخن می‌گویند (نساء، ۱۱۵؛ اعراف، ۱۴۲ و ۱۴۶؛ نور، ۲۱ و...) ناظر به همین معنا هستند.

۴-۴. معنای محبت و نوع مطلوب آن

محبت در لغت نقیض کینه و خشم و به معنای دوستی و میل قلبی است (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۱۴-۲۱۵). ریشه محبت ممکن است لذت، منفعت و فضیلت در وجود محبوب باشد. محبت عامل اراده، ترجیح و ایثار است (راغب اصفهانی، ص ۲۱۴-۲۱۵). محبت سبب همراهی و همگامی و هم‌نوایی است. قرآن از زبان پیامبر ﷺ می‌فرماید: «بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید...» (آل‌عمران، ۳۱). از رسول خدا ﷺ نیز نقل شده است: «انسان همراه کسی است که دوستش دارد» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۵۲).

۵. روابط خویشاوندی و همنوایی محبت‌بنیان

تحقق همنوایی اجتماعی نیازمند تحقق مؤلفه‌های اساسی در اندیشه و رفتار اعضای جامعه است. بررسی آیات قرآن و روایات مرتبط نشان می‌دهد که روابط خویشاوندی می‌تواند این مؤلفه‌ها را ایجاد کند. ابتدا مؤلفه‌های همنوایی ارائه و در مرحله بعد کارکرد روابط خویشاوندی در ایجاد آنها تبیین خواهد شد.

الف) مؤلفه‌های اساسی همنوایی محبت‌بنیان

۱. اعتقاد به وحدت حقیقت انسانی

مهم‌ترین رکن همنوایی و همراهی قلبی با اعضای جامعه، اعتقاد به وحدت حقیقت انسان است، زیرا اعتقاد به برتری بعضی بر بعضی از نظر حقیقت و تفاوت در حقیقت، زمینه همنوایی را از بین می‌برد. قرآن انسان را حقیقت واحد می‌بیند که دارای افراد است و وقتی از روابط سلبی و ایجابی انسان‌ها سخن می‌گوید، به‌گونه‌ای است که نشان می‌دهد همه انسان‌ها به‌رغم تفاوت‌های فردی و ظاهری، یک واحدند؛ به‌عنوان نمونه، در مورد کشتن یا نجات جان یک انسان می‌فرماید: «هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، گویی همه انسان‌ها را کشته و هرکس، انسانی را احیا کند، گویی همه انسان‌ها را احیا کرده است» (مائده، ۳۲). در تبیین علت حکم آیه گفته شده که مقتول همان حقیقتی را دارد که قاتل و دیگران دارند و فرد نجات‌یافته صاحب حقیقتی است که ناجی و دیگران دارند. این حقیقت مشترک در همه، همان انسانیت است که اصل آن در همه افراد برابر است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۱۶؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۴۷-۴۸) یعنی اینکه قرآن «قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» و «أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» فرموده، براساس این است که همه انسان‌ها یک حقیقت دارند، وگرنه مقتول یا احیا شده ممکن است سطح پستی از حقیقت انسانی داشته باشد که کشتن و احیای او هرگز مساوی با «جمع» نخواهد بود. بنابراین، اگر کسی به قتل انسانی اقدام کند یا رفتار توهین‌آمیزی را به او روا دارد یا حقیقت او را تضييع کند، حقیقت خود و نوع انسان را مورد تعرض قرار داده است.

در آیه‌ای دیگر، خداوند در مورد نهی از جنگ و خون‌ریزی و آواره کردن یکدیگر، به یهود فرمود: «خون خود را نریزید و خودتان را از خانه‌هایتان اخراج نکنید» (بقره، ۸۴) از بیان بعض مفسران استفاده می‌شود که آیه ضمناً می‌فهماند که قاتل و مقتول، اخراج‌کننده و اخراج‌شونده، حقیقت واحد هستند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۳۰۰). موارد دیگری نیز بنابر اینکه نگاه انسانی باشد چنان‌که بعضی مانند علامه طباطبایی معتقدند،

مانند: «خودتان را نکشید»: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» که پس از «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (نساء، ۲۹) آمده، و «از خودتان عیب‌جویی نکنید» (حجرات، ۱۱) که حکم بر مجموع اعضای جامعه انسانی بار شده است، بیانگر این است که اعضای جامعه یک حقیقت هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۲۰ و ج ۱۸، ص ۳۲۲).

نگاه دومی می‌تواند براساس اضافه شدن قید ایمان شکل بگیرد؛ یعنی انسان‌های مسلمان و مؤمن به این اعتقاد برسند که حقیقت انسان‌های مؤمن واحد است و آنان باید همه را یک واحد بدانند؛ چنان‌که بعضی گفته‌اند: حداقل «سرّ تعبیر از دیگران به «أنفس» آن است که امت اسلامی بر اثر درهم‌تنیدگی ایمانی که با هم دارند در حکم یک نفس‌اند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۴۲۵).

خداوند در ماجرای تهمت زدن به یکی از همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مؤمنان فرمود: چرا به خودتان حسن ظن نداشتید: «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ» (نور، ۱۲) یعنی حسن ظن به دیگر مؤمنان حسن ظن به خود است و همان‌گونه که به خود حسن ظن دارید و از خود دفاع می‌کنید به دیگران نیز حسن ظن داشته باشید و از ایشان در برابر تهمت‌های ناروا دفاع کنید (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۲۰۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۴۰۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۲۶۰-۲۶۱). همچنین تعبیری مانند: «قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» (ابراهیم، ۱۱) و «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ - مِّثْلُكُمْ» (کهف، ۱۱۰) به روشنی نشان می‌دهد که پیامبران حقیقت انسانی را واحد می‌دانستند. خدای متعال تعابیر مختلفی را در مورد پیامبران نازل کرده، مانند همین آیات و آیاتی که پیامبران را برادر اقوام مشرک خوانده، که به همانندی همه آحاد بشر را نشان می‌دهد.

پس قرآن در مواردی جامعه انسانی و در مواردی جامعه ایمانی را یک واحد و یک حقیقت قلمداد کرده است. این نگاه ضامن همنوایی اجتماعی است؛ زیرا ممکن نیست انسان سالم با خودش همنوا نباشد. امام علی علیه السلام رفتار درست با همه انسان‌ها، دوست داشتن همگان و رفتار محبت‌آمیز با همه شهروندان را مبنی بر همین نگاه لازم دانسته‌اند: «[مردم] یا برادر دینی تو هستند و یا همانند تو در آفرینش» (نهج‌البلاغه، خطبه ۵۳). پس همانندی در آفرینش که بیان دیگری از حقیقت واحد انسانی است، در لزوم رعایت حقوق کافی است. بر همین اساس حضرت در بیانی دیگر خطاب به مردم فرموده‌اند: «من و شما مملوک و بنده پروردگاری هستیم که جز او پروردگاری نیست» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶).

در ساحت دوم از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد وحدت حقیقت مؤمنان نقل شده است: «مؤمنان در دلسوزی نسبت به هم، مهرورزی و پیوند با یکدیگر، همانند جسم واحدی هستند که هرگاه عضوی

از آن به درد آید، سایر اعضا با او در سوختن در تب و بیداری شب، همراهی می‌کند» (بیهقی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۰۲).

امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند: «مؤمن، زمانی مؤمن واقعی است که با برادر دینی خود همچون یک جسد باشد که اگر رگی از آن زده شود سایر رگ‌های آن نیز متأثر و بی‌قرار می‌شود» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۴۲).

پس قرآن و تفسیر روایی آن به مسلمان تعلیم می‌دهند که دیگران را خودت ببین. این بینش رکن مهمی از همنوایی در جامعه بشری، به خصوص جامعه ایمانی است.

۲. الفت و انس

از عناصر مهم در همنوایی محبت‌بنیان، «الفت و انس» میان تک‌تک اعضای جامعه است. الفت که نقیض تنافر میان قلوب است، یعنی هر دلی در پی راضی کردن دل دیگر باشد و منافعی را که خودش از آن لذت می‌برد، برای قلب دیگری هم بخواند و همه زمینه‌های حیات را برای هم فراهم کنند، چنان‌که از تمتعات دنیوی همه با هم فراتر روند و به حیات جاوید و لذات ابدی برسند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۲۰-۱۲۱).

در آیه‌ای دیگر، خداوند در وصف جامعه جاهلی می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...»؛ و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شدید» (آل عمران، ۱۰۳).

در این آیه خداوند ایجاد الفت و دوستی میان مؤمنان پس از دشمنی را به ایشان یادآوری می‌کند و همنوایی به وجود آمده در میان مردم یثرب را در پی انس و الفتی قرار می‌دهد که در میان آنان ایجاد شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۷۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۳۲).

آیه به روشنی بیانگر آن است "الفت" سبب برادری است که عالی‌ترین نوع همنوایی است. نکته ظریف آیه این است که آیه همنوایی را با تعبیر "اخوان" که از الفاظ مهم و برجسته در ادبیات خویشاوندی است، بیان کرده است. یعنی برادری برخاسته از الفت است. در برادری مبنای سابق نیز مورد توجه است، زیرا بدون اعتقاد به وحدت حقیقت، برادری معنا ندارد. این مؤلفه نیز رکنی برای همنوایی است.

۳. تعلق خاطر سلم‌آور به هم‌نوعان

علاقه به دیگران در حد حب ذات و سلم بودن در برابر یکدیگر زیرساخت مبنایی دیگر هم‌نوایی است. این رکن هم‌نوایی اجتماعی در قرآن با مفاهیم سلم (آشتی) (بقره، ۲۰۸)، تعاون (هم‌افزایی و همکاری) بر نیکی و تقوا (مانده، ۲) و مفاهیم دیگر بیان شده است. خداوند همه مؤمنان را به ورود در سلم و آشتی فراخوانده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوبَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آشتی درآید! و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست» (بقره، ۲۰۸) سلم در این آیه به معنای صلح و آشتی است که فراگیر بودنش مورد امر خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۲۶۸ و ۲۷۰). بنابراین همه مؤمنان به ورود در دژ آشتی و مسالمت دعوت شده‌اند. البته صلح و سازش تا آنجا که در سایه ایمان حاصل می‌گردد و به همین جهت این فرمان متوجه مؤمنان شده است. ادامه آیه که خداوند از پیروی از گام‌های شیطان نهی کرده، گواه این است که خدشه‌دار شدن ایمان، سبب خدشه‌دار شدن و تضعیف مسالمت و علاقه به هم‌نوعان است.

مسالمت و علاقه ظاهری و آشتی فراگیر در جامعه، شرط داشتن جامعه سالم و دستیابی به رشد و تعالی و سعادت مطلوب است، البته در صورتی که در میدان عمل تأثیرگذار باشد و در صحنه جامعه نمود عملی داشته باشد. از این رو، در آیه دیگر جامعه مؤمنان به هم‌افزایی و همکاری بر نیکی و تقوا دعوت شده‌اند: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِنْسِ وَالْعُدْوَانِ؛ و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید!» (مانده، ۲). هم‌افزایی و همکاری جمعی بر نیکی و تقوا به گونه‌ای که به رستگاری افراد اعضای جامعه بینجامد دشواری‌های خاص دارد و نیازمند سازوکار مناسب است. مهم‌ترین سازوکار هم‌افزایی و همکاری بر نیکی و تقوا اتصال و ارتباط همه اعضای جامعه با یکدیگر براساس مؤلفه‌های یاد شده است. قرآن برای بیان این سازوکار از مفهوم صبر، مصابره و رابطه استفاده کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای ایمان آوردگان! همگی صبور باشید و یکدیگر را بر صبر یاری کنید (و هم‌افزایی در صبر داشته باشید) و (در امور دین و دنیا) با یکدیگر روابط (و همبستگی) داشته باشید، و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید» (آل عمران، ۲۰۰).

در این آیه خداوند نخست به صبر فردی فراگیر (اصْبِرُوا) فرمان داده است؛ ولی از آنجا که صبر فردی کارایی محدود دارد به دنبالش به صبر جمعی و مصابره دستور داده است (وَصَابِرُوا). مصابره این است که افراد جامعه نیروی مقاومت خود را در برابر سختی‌ها به هم وصل کنند و

جمعیتی به اتفاق یکدیگر اذیت‌ها را تحمل کنند و هر یک صبر خود را به صبر دیگری تکیه دهد و در نتیجه برکاتی که در صفت صبر هست دست به دست هم دهد و تأثیر صبر بیشتر گردد و این معنا امری است که هم در فرد (اگر نسبت به حال شخصی او در نظر گرفته شود) محسوس است و هم در اجتماع (اگر نسبت به حال اجتماع و تعاون او در نظر گرفته شود) چون باعث می‌شود که تک تک افراد نیروی یکدیگر را به هم وصل کنند و همه نیروها یکی شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۹۱-۹۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۷۷۵).

علامه افزوده: رابطه (زابطوا) اعم از مصابره است، چون مصابره وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در سختی‌ها به هم بود و رابطه همین وصل کردن نیروهاست، اما نه تنها نیروی مقاومت در سختی‌ها، بلکه همه نیروها و کارها، در جمیع شئون زندگی دینی، چه در حال شدت و چه در حال آسانی و خوشی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۹۱).

ایشان افزوده که برای رسیدن به فلاح تام حقیقی، مؤمنان مأمور به صبر دسته‌جمعی و پیوند زدن همه نیروها، به‌عنوان یک واحد و یک حقیقت، تحت فرمان خدا هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۹۲ و ۹۵).

نتیجه اینکه همنوایی اجتماعی مؤمنانه از نظر قرآن دارای سه مؤلفه اساسی و مرتبط به هم است که از یگانه دیدن و یگانه دانستن حقیقت انسان، در مقام بینش، الفت و همدلی در مقام احساس و عواطف، صلح و سازش، تعاون بر نیکی و تقوا و مصابره و رابطه در مقام عمل و رفتار تشکیل می‌شود. نقش روابط خویشاوندی در تحقق این ارکان و مؤلفه‌ها چیست و چگونه تقویت روابط خویشاوندی این نیازها را برای جامعه تأمین می‌کند؟

ب) فرایند تأثیر روابط خویشاوندی در تحقق همنوایی محبت‌بنیان

براساس عناصری که برای تحقق همنوایی اجتماعی از منظر قرآن بیان شد، چگونگی تأثیر روابط خویشاوندی بر پیدایی و پایداری مؤلفه‌ها و عناصر همنوایی محبت‌بنیان تبیین می‌شود:

۱. تأثیر روابط خویشاوندی بر اعتقاد به وحدت حقیقت انسان‌ها

ذیل آیه ۲۷ سوره بقره قطع نوعی از روابط را سبب خسارت می‌داند، امام سجاد علیه السلام آن را بر روابط خویشاوندی تطبیق کرده‌اند (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۵)، در تبیین آیه گفته شده که یکی از رازهای تأکید مکرر اسلام بر حفظ پیوند خویشاوندی این است که همیشه برای ایجاد، اصلاح، تقویت، پیشرفت، تکامل و عظمت بخشیدن به اجتماع بزرگ در بعد مادی و معنوی باید از واحدهای کوچک آن شروع کرد، با پیشرفت و تقویت واحدهای کوچک، اجتماع عظیم، خود به خود اصلاح خواهد

شد. در همین راستا دستور به اصلاح واحدهایی داده که معمولاً افراد از کمک و یاری و عظمت بخشیدن به آن روگردان نیستند؛ در ارتباط با نزدیکان، خداوند تقویت بنیه افرادی را توصیه می‌کند که خونشان در رگ و پوست هم در گردش بوده و اعضای یک خانواده‌اند و پیدا است هنگامی که اجتماعات کوچک خویشاوندی نیرومند شد، اجتماع عظیم آنها یعنی جامعه نیز عظمت می‌یابد. از این رو، این حدیث که می‌گوید: روابط با خویشان باعث آبادی شهرها می‌گردد می‌تواند به همین معنا اشاره داشته باشد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۱۵۷-۱۵۸).

این تبیین گویای این است که خویشاوندی سبب می‌شود، اعضای این جامعه خودشان را یک واحد بدانند و کسی حقیقت خود را فراتر و جدای از دیگر اعضا نداند. پس تقویت ارتباطات رَحِمی که در طی آن اعضای یک خانواده، یگانه بودن حقیقت انسان را در واحد کوچک‌تر به نحو عینی و در متن وجود خود تجربه می‌کند، سبب هم‌نوایی خواهد بود. به همین دلیل خدا "قطع روابط خویشاوندی را خسارت" شمرده است.

در تأیید بیان می‌توان به آیه اول سوره نساء نگاه کرد که می‌فرماید: «ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید، همو که شما را از یک تن (آدم) آفرید و همسرش را از نوع او خلق کرد، و از آن دو، مردان و زنان بسیاری را پراکنده ساخت. از خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید (و روابط متقابل را شکل می‌دهید)، پروا کنید و مراقب [پایمال کردن حقوق] خویشاوندان باشید (و همبستگی میان خود و آنان را فراموش نکنید)».

پس خویشاوندان نمادی اولیه از اجزای یک حقیقت واحد هستند. پس محل تجربه کردن این حقیقت توجه کردن و اهمیت دادن به خویشاوندان است. از نظر علامه طباطبایی تضمین هستی فردی و جمعی، با الهام روابط خویشاوندی و رعایت احوالات آنان است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۳۴-۱۳۵).

هستی جمعی یعنی وحدت در عین کثرت افرادی و فهم این حقیقت در محیط خویشاوندی آسان می‌شود.

سیدقطب معتقد است که با قطع روابط خویشاوندی، شکل‌گیری جامعه سالم ناممکن می‌شود. از نظر مفسرانی چون سیدقطب معتقدند: نظام طبقاتی و برده‌داری در اثر فراموشی همین مودت و محبت رَحِمی به وجود آمده است (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۷۴). به نظر این مفسر اجتماعی، با توجه به آیه نخست سوره نساء: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ...» خداوند قرابت رحمی و خانواده را زیرساخت و قاعده زندگی بشری قرار داده و مقرر داشت که خلقت بشر از یک رَحِم آغاز شود و انسان تا پایان میوه یک درخت باشد. خدا اگر

می‌خواست، می‌توانست در آغاز راه مردان و زنان متعدد بیافریند و از افراد متعدد و متکثر، نسل را گسترش دهد؛ ولی او خواست که انسان یک خانواده باشد. خالق بشر در آیه یادشده بعد از توحید ربوبی، وحدت و پیوند خانوادگی را مطرح کرده و در کتابش نیز تذکر داد، تا وحدت قاعده جامعه انسانی باشد (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۷۴-۵۷۵). خدای متعال با این اصل اساسی (توجه به پیوند رَحْمی)، به پی‌ریزی پایه‌ها و بنیادهایی می‌پردازد که نظام و حیات جامعه بر آن استوار می‌گردد؛ از قبیل: ضمانت متقابل اجتماعی در میان خانواده و در میان مردم، رعایت حقوق ضعیفان جامعه، حفظ حقوق زن و رعایت کرامت وی، مواظبت از اموال عمومی جامعه، و تقسیم ترکه میان بازماندگان، به‌گونه‌ای که متضمن دادگری برای عموم افراد بوده و دربرگیرنده صلاح حال جامعه باشد (همان، ۵۷۵-۵۷۶).

نکته بسیار مهم در آیه این است که به دنبال توجه دادن مردم به وحدت در حقیقت انسانی و خلقت از طریق یک پدر و مادر (آدم و حوا)، مسئله پیوند خویشاوندی را مطرح می‌کند و خدای متعال از مراقبت خود بر پاسداشت این پیوند سخن می‌گوید. این بدان جهت است که پیوند خویشاوندی اساس درک حقیقت واحد انسانی است و بریدن از خویشاوندان زمینه را برای کم‌رنگ شدن و حتی از بین رفتن این نگاه فراهم می‌کند؛ زیرا قطع رحم و فاصله گرفتن فیزیکی از یکدیگر زمینه را برای دوگانگی و احساس جدایی از دیگر هم‌نوعان را در نگاه و بینش فراهم می‌کند. خداوند خطاب به مسلمانان فرموده: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران، ۱۰۵).

به نظر علامه طباطبایی، مراد از "اختلاف" جدایی از حیث اعتقاد و مراد از "تفرُّق" اختلاف و تشتت از حیث بدن‌ها و جسم‌ها دانسته است. به نظر ایشان، ذکر "تفرُّق" جلوتر از پدیده اختلاف برای آن است که جدایی بدن‌ها از یکدیگر، مقدمه جدایی عقاید است، چون وقتی قومی به هم نزدیک و با هم مجتمع و مرتبط با یکدیگر باشند، عقایدشان به یکدیگر متصل و از راه تماس و تأثیر متقابل متحد می‌شود و اختلاف عقیدتی در میانشان رخنه نمی‌کند. برخلاف زمانی که از یکدیگر جدا و بریده باشند، جدایی بدن‌ها باعث اختلاف مشرب‌ها و مسلک‌ها می‌شود و به تدریج هرچند نفری دارای افکار و آرای مستقل و جدای از افکار و آرای دیگران می‌شوند و تفرقه و جدایی باطنی هم به وجود می‌آید. علامه تأکید دارد که اگر جامعه به‌طور مستقیم نتواند اختلاف را برطرف سازد، با یک واسطه می‌تواند و آن هم این است که روابط فیزیکی و ارتباطات ظاهری را زیاد کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۷۳). یعنی با ارتباط ظاهری، به خصوص در محیط خویشاوندی، زمینه ارتباط فکری و بینشی فراهم می‌شود که عالی‌ترین نوع آن در روابط خویشاوندی اتفاق

می‌افتد. این تأثیر به همان جهت است که در محیط خانوادگی و خویشاوندی درک وحدت حقیقت و یگانگی جوهره انسانی آسان می‌شود.

۲. تأثیر روابط خویشاوندی بر هنجار شدن الفت و روابط عاطفی

رابطه والدین و فرزندان که نزدیک‌ترین خویشاوندان هستند، عواطف و الفت میان آنان را چنان شدید می‌کند که حتی در موارد غلط نیز ممکن است هم‌نوایی کنند. خواهران و برادران در مرتبه بعد و سایر اقربا همچین. به میزان روابط، الفت و عواطف، فیما بین شدت و ضعف می‌یابد و در نتیجه میزان هم‌نوایی شدت و ضعف پیدا می‌کند. کسی که الفت و محبت به خویشاوندان را درست و عمیق تجربه کند، می‌تواند با دیگر اعضای جامعه همچین روابطی را در سطحی مناسب ایجاد کند. پس، تأکید بر یک همبستگی طبیعی، آغاز روش تربیتی برای ایجاد الفت و پیوندهای عاطفی گسترده است. خداوند حکمت و رمز و راز ارتباطات خویشاوندی را در ایجاد تعاطف و مهرورزیدن خویشان به همدیگر بیان کرده است: «... فَأَنَّىٰ أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَالرَّحْمَ أَنَا خَلَقْتُهَا فَضلاً مِّن رَّحْمَتِي لَتَعَاظَفَ بِهَا الْعِبَادَ...؛ مَن خَدَايَ بَخَشْنَدِهِ وَ مَهْرِبَانِمِ وَ مَبْدَأُ خَوِشَاوْنَدِي رَا بَه فَضْلِ رَحْمَتِ خَوِشِ آفَرِيدِم تَا اِنْسَانِهَا بَدِينِ وَسِيلَه بَه يَكْدِيْگَر مَهْر وَ عَطُوفَتِ وَرَزْنَد» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۴۵). از امام علی (علیه السلام) نیز نقل شده است: «پیوند با خویشاوندان محبت می‌آورد» (لیثی واسطی، بی‌تا، ص ۳۰۴).

به همین دلیل در قرآن و آموزه‌های دینی تأکید شده که هر کسی در احسان و انفاق و دست‌گیری باید نزدیکان و خویشان خود را بر دیگران مقدم بدارد: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ؛ از تو سؤال می‌کنند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی و معنوی) که انفاق می‌کنید، باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و در ماندگان در راه باشد» (بقره، ۲۱۵). در این آیه نخست والدین که شاخص‌ترین مصداق خویشان هستند، ذکر شده و به دنبال آن خویشان دیگر (اقربین) و در پایان سایر نیازمندان مورد توجه قرار گرفته‌اند.

مراحل پایین‌تری از روابط احسانی با خویشاوندان نیز سبب محبت است؛ امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: «هرگاه یکی از شما نسبت به فردی از ارحام خویش خشم گرفت به او نزدیک شود و سعی کند دستش به بدن او تماس پیدا کند، چون رحم هرگاه رحم خود را لمس کند آرامش می‌یابد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۲۶۵) این بدان جهت است که نزدیک شدن به رحم، سبب بروز رحمت و محبت و تحریک احساسات و عواطف است و با وجود تضعیف در یک

مرحله، بار دیگر اثرش ظاهر گشته و در طرفین رأفت و محبت پدید می‌آورد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۴۸).

ریشه اصلی این محبت در خلقت لحاظ شده و محبت به خویشاوندان به گونه‌ای است که قرآن در آیاتی تأکید کرده، نباید محبت به خویشاوندان سد راه خدادوستی و عمل به دستورات خدای متعال شود (توبه، ۲۴ و مجادله، ۲۲) پس اُنس و الفت در روابط خویشاوندی طبیعی است.

۳. تأثیر میدانی روابط خویشاوندی در علاقه و وابستگی به دیگران

تأثیر روابط با خویشان در واقع زندگی انسان چنان است که در احادیث میان اموری چون افزایش امید به زندگی، افزایش دارایی و ثروت و سامان یافتن و عافیت در همه امور (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۲۷۷)، که نمادهای جامعه پیشرفته هستند، با روابط خویشاوندی نسبت مستقیم برقرار شده است. این آثار به خوبی می‌توانند انسان را به علاقه و وابستگی به دیگران سوق دهند و انسان را به این جهت رهنمون شوند که راه رسیدن به زندگی خوب، تسالم، محبت متقابل و تعاون دوستانه با دیگران است. نمونه‌هایی از تأثیرات بیان شده در احادیث تفسیری:

(الف) انسان دوستدار خود و سعادت خود است. در حدیثی از رسول خدا ﷺ ذیل آیه اول سوره نساء آمده: «خدای می‌فرماید: با ارحام و خویشاوندان روابط برقرار کنید، زیرا این روابط سبب بقای بیشتر زندگی دنیایی شما می‌شود و خیر شما را در آخرت تأمین می‌کند» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۱۷).

در توضیح حدیث گفته شده که ممکن است مراد این باشد که روابط خویشاوندی وحدت و هماهنگی میان نزدیکان را محکم می‌کند و در نتیجه انسان در برابر آسیب‌ها و جریان‌های مخالف و مناقض ادامه حیات، و عوامل ضد رفاه زندگی اوقوی‌تر می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۴۸). تحلیل هوشمندانه عناصر حدیث رغبت شدیدی به روابط خویشاوندی و آثار آن ایجاد می‌کند، زیرا انسان خود و سعادت خود را از هر چیزی بیشتر دوست دارد و همین علاقه به خود مستلزم تحکیم روابط خویشاوندی و همنوایی حاصل از آن است.

(ب) همه تلاش انسان‌ها برای آباد کردن زندگی دنیا و داشتن تمدن مرفقی و از آن مهم‌تر داشتن سلامت و عمر طولانی است. این هدف با روابط خویشاوندی قابل تأمین است. اگر اعضای جامعه انسانی درک کنند که راه آسان رسیدن به این هدف تقویت روابط خویشاوندی و همنوایی حاصل از آن است، به یقین گرایش قابل توجهی به این مؤلفه ایجاد می‌شود. از پیامبر ﷺ نقل شده: «روابط با خویشاوندان شهرها را آباد می‌کند و بر عمرها می‌افزاید گرچه اهل آن از نیکان نباشند» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۱).

همچنین از حضرتش نقل شده است: «قوم و ملتی فاجرند و اهل نیکی و درستی نیستند اما رابطه خویشاوندی به جا می‌آورند، در نتیجه اموال و ثروت آنها رشد می‌کند و عمرشان طولانی می‌شود پس چگونه خواهد بود آنگاه که از نیکان و اهل روابط با خویشاوندان باشند!» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۵۵).

این احادیث تأثیر روابط خویشاوندی را تکوینی شمرده و از مسئله اعتقادات و معنویات جدا کرده‌اند. فهم نکات بیان شده که عقل نیز چنین آثاری را تأیید می‌کند، رغبت فوق‌العاده‌ای به روابط با دیگر اعضای جامعه و تسالم و همکاری با آنان ایجاد می‌کند که به‌طور طبیعی همنوایی را به همراه دارد.

ج) رواج اخلاق شایسته همنوایی اجتماعی را به شدت تقویت می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «رابطه با نزدیکان و اعضای جامعه خویشاوندی و ارحامی اخلاق را نیک می‌گرداند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۵۱). افزون بر این، رابطه با خویشان خود از جمله اخلاق نیک است و سبب تقویت و پایداری بیشتر اخلاق و ملکات نیک می‌شود (مازندرانی، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۹). پس، برای داشتن جامعه اخلاقی و نرم‌خو و صبور که زود خشم نمی‌گیرد و هنجارشکنی نمی‌کند، از روابط خویشاوندی می‌توان کمک گرفت. پس میدان خویشاوندان میدان تمرین تسالم و تعاون محبت‌بنیان با دیگران است.

د) مشهود است که روابط خویشاوندی عرصه بالا بردن تشریک مساعی و هم‌افزایی و همکاری است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «خویشانت را گرامی بدار که بال پرواز تو و اصل و ریشه تو هستند که به آنها باز می‌گردد و دست و بازوی نیرومند تو برای اقدام هستند» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). بسیاری از افراد به دلیل نداشتن ابزارهای پیشرفت، زمین‌گیر می‌شوند، این حدیث به انسان می‌آموزد که کار کردن در جامعه و رسیدن به اهداف و آرمان‌های بلند، دست‌کم نیازمند برخورداری از پشتیبانانی مجموعه‌ای از همنوعان و همنوایی آنان است که خویشاوند او هستند. دست و بازوی نیرومند کنایه از ابزارهای عمل هستند که روابط خویشاوندی در اختیار انسان می‌گذارد.

ه) تأثیر روابط خویشاوندی در جریان زندگی، در مواضعی ظهور می‌کند که عقل انسانی او را به ضرورت وجود چنین روابطی رهنمون می‌سازد. در بیان دیگری از امیرالمؤمنین آمده «انسان هر مقدار ثروتمند باشد باز از خویشاوندان خود بی‌نیاز نیست که از او با زبان و دست دفاع کنند. خویشاوندان بزرگ‌ترین گروهی هستند که از او حمایت می‌کنند و اضطراب و ناراحتی او را می‌زدایند؛ و در هنگام مصیبت‌ها نسبت به او پرعاطفه‌ترین مردم‌اند...» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳). سخت‌ترین روزهای زندگی همان است که انسان مورد حمله و هجوم دشمنانش قرار گیرد،

هجوم به آبرو باشد یا جان و مال. روابط خویشاوندی در چنین روزهایی کارکرد خود را نشان می‌دهد و نه تنها احساس تنهایی در مقابل دشمن از بین می‌رود، بلکه دلداری‌ها هم‌نویان سبب آرامش و رفع اضطراب می‌گردد. تجربه این حالت اگر به ملتی منتقل شود، چنان‌که در جریان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی ایرانیانی که براساس تعالیم اسلامی هم‌نوایی محبت‌بنیان را تجربه کرده بودند، در کنار هم ایستادند و دشمنان خود را در سخت‌ترین شرایط شکست دادند. حدیث که مبتنی بر حقایق خلقت انسان بیان شده، یادآور می‌شود که امنیت روانی جامعه و اعضای آن در گرو ترویج فرهنگ تحکیم روابط خویشاوندی است.

و) براساس بیان امیر مؤمنان (علیه السلام) از جمله کارکردهای ملموس روابط خویشاوندی، توانمند شدن در مدیریت خشم است (مجلسی ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۲۶۵). این حدیث با کمک نظریه علامه طباطبایی که روابط ظاهری و تماس فیزیکی می‌تواند سبب هم‌نوایی و رفع اختلاف باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۷۳) قابل تعمیم در روابط میان همه انسان‌هاست. چنین رویکردی به روابط خویشاوندی مدرسه‌ای برای تربیت اخلاقی انسان‌ها می‌سازد که بسیاری از مسائل جامعه و معضلات آن را حل می‌کند.

پس، مطالعه تفاسیر اجتماعی و روایات همسو نشان می‌دهد که روابط خویشاوندی آثار و نتایجی دارد که به‌طور طبیعی سبب ایجاد محبت و تقویت احساس وابستگی به دیگر اعضای جامعه است (میرعرب، ۱۳۹۶، ص ۲۰۶). چنین آثار ملموس برای روابط انسانی که در محیط خویشاوندی تجربه می‌شود، اعضای جامعه را راغب به هم‌نوایی در کلان جامعه می‌کند، افزون بر اینکه هنجار شدن ارزش‌ها در محیط خویشاوندی امکان تخلف از آنها را در محیط کلان انسانی کم می‌کند.

۶. نتیجه

تیین شد که روابط خویشاوندی نقش بسزایی در پیدایی و پایداری ارکان بینشی، عاطفی و رفتاری هم‌نوایی اجتماعی دارد. روشن شد که ارتباط با خویشاوندان که جامعه‌ای محدود است، سبب درک وحدت حقیقت انسانی و اعتقاد به وابستگی اعضای جامعه به یکدیگر می‌شود، به‌گونه‌ای که همه یکدیگر را به‌عنوان عضو یک حقیقت گسترده می‌بینند. در بعد عاطفی نیز روابط خویشاوندی کمک می‌کند تعاطف و مهربانی و محبت‌ورزی، هم در سطح خویشان گسترش یابد و هم تجربه‌ای موفق برای تعاملات با سایر اعضای جامعه انسانی باشد.

همین روابط در عرصه عینیت زندگی به زندگی مسالمت‌آمیز و روح تعاون و هم‌افزایی در گسترش خیر و صلاح میان اعضای جامعه ارحامی می‌انجامد. ارتباط و تعامل با خویشان و دیدار

با ایشان و رسیدگی به نیازها و مشکلات آنها سبب می‌شود که دل‌ها به هم نزدیک شود. تجربه عینی این محبت و احساس عاطفی از سطح خویشان به سطح جامعه سرایت می‌کند و توان مشارکت عمومی و تشریک مساعی و هم‌افزایی و همکاری می‌شود، یعنی جامعه را به نحو درونی هم‌نوا می‌کند.

پس، روابط خویشاوندی نقش اساسی در همنوایی اجتماعی دارد و بهترین راه همنوایی درونی جامعه، تجربه همنوایی محبت‌بنیان در جامعه خویشاوندی است. هنجار شدن همنوایی محبت‌بنیان در میان خویشاوندان زمینه مناسبی برای همنوایی براساس محبت در کلان جامعه خواهد بود. داده‌های قرآنی و روایی این برداشت را پشتیبانی می‌کند و نشان می‌دهد که این روش در ایجاد همنوایی با فطرت و خلقت انسان هماهنگ است. بر این اساس تقویت روابط خویشاوندی، تقویت جامعه و تضعیف روابط خویشاوندی که جریان فرهنگی غربی به این سمت می‌کشاند، تضعیف جامعه خواهد بود.



منابع

۱. ابن اثیر (۱۳۶۴)، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، قاهره: چاپ طاهر احمد زاوی و محمود محمد طنناحی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه.
۳. انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
۴. برسوی، اسماعیل، (بی تا)، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.
۵. بیهقی، احمد بن الحسین (۱۴۱۰ق)، شعب الایمان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶. دهقان پور فراشاه، هاشم (۱۳۸۹)، مدیریت ارتباطات میان فردی، مشهد: انتشارات رخنه در اسرار.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تسنیم، ج ۱۸، قم: مؤسسه اسراء.
۸. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۹. حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم.
۱۲. رینز مکاری، جین و روزالیند ادواردز (۱۳۹۰ش)، مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران: نشر علم.
۱۳. روشه، گی (۱۳۸۸)، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، تهران: سازمان سمت.
۱۴. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف، بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۵. سیدرضی (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، (ترجمه دشتی)، قم: مشهور.
۱۶. سیدقطب (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
۱۷. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، درالمنثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان، قم: جامعه مدرسین.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ق)، العین، قم: انتشارات هجرت.
۲۱. فضل الله، سیدمحمدحسین (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک.
۲۲. فیض کاشانی، ملاً محسن (۱۴۰۱ق)، مفاتیح الشرایع، قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.

۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. لیبی واسطی، علی بن محمد (بی‌تا)، عیون الحکم و المواعظ، قم: دارالحدیث.
۲۵. مازندرانی، محمدصالح (۱۴۱۲ق)، شرح اصول الکافی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه دارالوفاء.
۲۷. معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات زرین.
۲۸. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، أمالی (المفید)، قم: کنگره شیخ مفید.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. میرعرب، فرج‌الله (۱۳۹۶)، وفاق و اتحاد در اندیشه مفسران اجتماعی، قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۲. میرعرب، فرج‌الله و محمدکاظم کریمی (۱۳۹۴)، «درآمدی بر هم‌نوایی اجتماعی از منظر قرآن کریم»، فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ش ۸، ص ۷۱-۹۱.
۳۳. نراقی، محمد مهدی، (بی‌تا)، جامع السعادات، افست بیروت: اعلمی.
۳۴. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل‌البتیة.